

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
نویسنده: جان ریڈل
برگردان از: ن. زارعی
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۶

جنبش زنان کمونیست (۱۹۲۱-۲۶)



وقتی روز جهانی زن را جشن می‌گیریم، معمولاً به مبداء آن در مبارزات کارگران امریکا در اوایل قرن گذشته ارجاع می‌دهیم. حال آن که کمتر ذکر شده که در دهه ۱۹۲۰ چگونه به وسیله جنبش زنان کمونیست راه اندازی شد و محبوبیت یافت. علی‌رغم این که این جنبش به خودی خود، مانند بسیاری از رهبران مرکزی آن، به فراموشی سپرده شده است.

ساختار و عملکرد

جنبش زنان کمونیست با گردهمایی زنان کمونیست در ۱۹۲۱ با انتخاب رهبری، دبیرخانه بین‌المللی زنان، برای گزارش به هیأت اجرایی انترناسیونال کمونیست یا کمیترن، بنیانگذاری شد. همچنین شکل‌گیری کمیسیون‌های زنان

در احزاب ملی آغاز شد، که هماهنگ با کارِ بدنی زنان، کنفرانس های جهانی دوره ئی (پریودیک) زنانِ کمونیست نام گرفت.

دبیرخانه نشریه‌ای ماهانه منتشر کرد و نیز انتشارات ملی و محلی زنان کمونیست راه اندازی شد. همچنین قطعنامه‌ای به کنگره جهانی کمینترن آورد.

این، سطح حداقلی طرح بود. زنان در آن هنگام تنها در آغاز ورود به فعالیت های مدنی و سیاسی بودند. در سال های قبل از ۱۹۱۴ جهانی شدن سوسیالیسم، به گفته کلارا زتکین، با تعداد کم فعالان زن " به عنوان شکلی از کمک خانگی" رفتار می شد. [۱]

زتکین در ۱۹۲۱ نوشت که حتا در کمینترن، "رهبران، اغلب اهمیت جنبش زنان کمونیست را دست کم گرفتند"، "چرا که آن را فقط مشغله زنان می بینند" [۲]. در هر کدام از کنگره های جهانی کمینترن در ۱۹۲۰، ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲، زنان با مشکل گرفتن وقت برای ارائه و بحث در مورد گزارش شان مواجه شدند. [۳]

اما درکل، علی رغم آنچه که زتکین " مخالفت باز یا پنهان" نامید [۴]، در واقع ساختارهای حزبی برای کار زنان، در بیشتر کشورهای اروپایی که کمونیست ها می توانستند فعالیت قانونی کنند، تأسیس شده بود. زنان پیشرو در این کار، شاید تواناترین و انعطاف پذیرترین تیم رهبری محصول کمینترن بودند. در کنار "زتکین"، قابل احترام ترین رهبر کمونیست غیر روسی، "هرتاستورم" و "برتابراونتال" از آلمان، "مارتابیگوت" و "لوسیاکلیارد" از فرانسه، "هنریت رونالد" - "هولست" از هلند، "دورامونتفیوره" از بریتانیا، "هانامالم" و "اینوکزینه" از فنلاند، "ادا تننبوم" از پوئلند، "وارزنیکا کاسپرووا" و "کلادیا نیکولوا" از روسیه، در کنار دیگران کار کردند. [۵]

نشریه آنان، "انترناسیونال زنان کمونیست"، یک ابزار توانمند آموزشی بود، که در طول ۵ سال موجودیتش ۱۳۰۰ صفحه چاپ کرد. نوشته‌ها با ذوق و اغلب شاعرانه اند، مانند تصویر زیر از کارگران در اروپای ویران شده از جنگ: آنان که محصولات را درو می‌کنند و نان می‌پزند، خود گرسنه اند.

آنان که می‌بافند و می‌دوزند، خود لباسی برای تن شان ندارند.

آنان که بنیان فرهنگ های غنی بر جای مانده را ایجاد می‌کنند، خود از دانش و زیبایی محروم اند. [۶]

نشریه، به ویرایش زتکین، تفکرات استوارترین مدافعان سیاست جبهه متحد انترناسیونال را ترویج کرد. کار انترناسیونال زنان بر دو کمپین جهانی متمرکز شد: ساختن روز جهانی زنان و پشتیبانی کمک های جهانی کارگران برای شوروی، با تأکید بر اختصاص کمک ها به زنان شوروی. در زمستان و بهار ۲۳-۱۹۲۲، دبیرخانه زنان در برلین مبارزات علیه تورم، خطر جنگ، آموزش و پرورش، قوانین ضد سقط جنین و فاشیسم را با کار مستقیم با کمیسیون های زنان احزاب کمینترن رهبری کرد. [۷]

جنبش با کمیته فرعی؟

با این وجود ماهیت جنبش زنان کمونیست به سختی قابل تفکیک بود. آیا جنبشی از آن زنان بود؟ یا مجموعه ای از کمیته‌های در حال انجام وظایف حزبی؟

کلارا زتکین وظیفه اصلی آن را، پیروزی توده ها- به ویژه توده‌های زنان- در مواجهه با قدرت نمائی محتمل سرمایه داری فرموله کرد. در این جا او خط عمومی را که چند ماه بعد، پس از مباحث پرکشمکش به وسیله کنگره جهانی کمینترن به تصویب رسید، پیش بینی می‌کرد.

ر هبران زنان دیدند که بدون کمیسیون‌های ویژه ترتیب داده شده برای این وظیفه، این کار انجام شدنی نیست. در عین حال زتکین به نکته ویژه دیگری اشاره کرد، شرایط اجتماعی زنان "روان شناسی ویژه زنان" را به وجود می‌آورد، طوری که خود زنان "سریع‌ترین، موشکاف‌ترین، و مؤثرترین در شناخت مسائل کلیدی در زندگی زنان کارگر" هستند. [۹]

در متن دیگری، زتکین نوشت که توده‌های زنان، هم اکنون "آرزوها، افق‌ها، انگیزه‌ها و نیازهای جدیدی را که تا پیش از این پنهان بود" کسب کرده‌اند. [۱۰]

کمونیست‌های این دوره از اصطلاح "ستم بر زنان" استفاده نکردند، با وجود این در تفکرات و عملکردشان وجود دارد.

ائتلاف‌های وسیع در عمل برای نفوذ در توده‌ها، علی‌رغم ضرورت، کافی نبود. هدف آوردن زنان به احزاب و تربیت آنها به عنوان کادر و رهبر بود. در بیشتر حزب‌ها این پروژه جدیدی در مقابله با فشارهای شوونیستی برای جدا کردن زنان از جنبش انقلابی بود.

در ۱۹۲۵، زمانی که انترناسیونال زنان در کمینترن تحت فشارهای بروکراتیک بود، زتکین این مفاهیم را در قالب مباحثات پنج سال قبل خود با لنین، بازگو کرد. او دیدگاه مشهور لنین را نقل کرد: "ما باید به تمام معنا یک جنبش بین‌المللی قدرتمند زنان داشته باشیم، بر پایه‌های شفاف تئوریک". بعدها لنین در مباحثه اش افزود: "ما سازمان مجزای زنان کمونیست نمی‌خواهیم! زنی که یک کمونیست است به عنوان یک عضو به حزب تعلق دارد"، با "حقوق و وظایف مشابه". اما حزب به سازمان ویژه "با هدف مشخص محرک توده‌های وسیع زنان" نیز نیاز دارد. [۱۱]

کمیسیون به روی تمام اعضای حزب باز بود و مردان برای پیوستن مورد تشویق قرار گرفتند. در واقع، مردان عموماً عقب ایستادند، اما روی اولویت‌ها اعمال فشار کردند. برای مثال، زتکین به شدت در پاسخ استدلال کرد که لنین به زتکین گفته است در جلسات با زنان کارگر، کمونیست‌ها نباید بگذارند "مشکلات رابطه جنسی و ازدواج در صدر بیاید" [۱۲] و مطمئناً، علی‌رغم دستور رسمی، چنین جلساتی فرصت را برای آنچه که در دوره‌های بعد "بالا بردن سطح آگاهی" خوانده شد، آماده کرد.

تعداد زیادی از زنان انتخاب شدند. نسبت زنان در اعضای احزاب از بیشترین سطح بیست درصد در چکسلواکی و ناروی تا کمترین سطح دو درصد در فرانسه و ایتالیا متغیر بود. در آلمان و روسیه، به مرور در دهه ۱۹۲۰ به ترتیب تا ۱۷٪ و ۱۴٪ افزایش پیدا کرد. [۱۳] ارقام بزرگی بود: بیش از ۱۰۰۰۰۰ زن عضو انترناسیونال کمونیست بودند.

برنامه برای آزادی

این زنان برنامه‌ای را "برای تأمین حقوق اجتماعی کامل و بدون محدودیت همه زنان... به گونه‌ای که بتوانند از هر جنبه‌ای شخصیت کامل انسانی‌شان را توسعه دهند" [۱۴] پیش بردند.

برنامه کمینترن برای رهایی زنان شامل "برابری کامل حقوقی در قانون و عمل"، ادغام زنان در زندگی سیاسی، حق آموزش و مراقبت‌های پزشکی رایگان، اقدامات اجتماعی برای تسهیل کارخانه و مراقبت از کودکان و اقدامات برای دور شدن از "استاندارد دوگانه روابط جنسی برای مردان و زنان" بود. [۱۵]

با توجه به عمق انقیاد زنان در آن زمان، این ممکن است یک اتوپیای ناب به نظر رسد. با وجود این، زنان کمونیست به دستاوردهای چشمگیری زنان در شوروی اقتداء کردند، جایی که زنان تا پیش از انقلاب برده‌های قانونی شوهران و پدران‌شان بودند. مجموعه این دستاوردها و محدودیت‌های‌شان را به بحثی جداگانه وا می‌گذاریم.

بدن ما متعلق به ماست

مانیفستِ کمونیست برای رهایی زنان به حقوقِ بارداری برای زنان اشاره کامل داشت. با این همه، زنان کمونیست برای این مسأله مبارزه موفقیت آمیزی کردند.

زنان کمونیست در آن دوره کودک آوردن را یک وظیفه اجتماعی می‌نگریستند و به دنبال کمک به "زنان فقیری که مایل اند مادر شدن را به عنوان بالاترین لذت" تجربه کنند، بودند. زمانی که کنترلِ مولید توسط عده زیادی به عنوان ابزاری برای کنترل جمعیت و اصلاح نژادی حمایت می‌شد، آنها در برابر عتاب کردن به زنان برای داشتنِ کودکان کم یا زیاد مقاومت کردند. سقط جنین را به عنوان یک نشانه فساد اجتماعی در ارتباط با فقر و انقیاد زنان در نظر می‌گرفتند. اما قوانین ضد سقط جنین تصویب شده، زنان بیگناه را وحشیانه مورد مجازات قرار می‌داد. زنان کمونیست تلفات وحشیانه ناشی از سقط جنین های غیرقانونی را محکوم کردند و خواستار لغو تمامی قوانین ضد سقط جنین شدند. [۱۶]

در آلمان، زنان کمونیست کمپین گسترده‌ای را با شعار "بدن شما به شما تعلق دارد" علیه قوانین سقط جنین رهبری کردند. [۱۷]

خشونت علیه زنان به ندرت در ادبیات زنان کمونیست آمده است. با وجود این که، آنها به اقدامات شوروی برای تضمین آزادی خواست زنان برای ازدواج و طلاق و کار خارج از خانه به عنوان اولین گام‌ها برای رهایی زنان از خشونت و روابط سرکوبگرانه، اشاره کردند.

با این حال، جای مبحث تجاوز و اذیت و آزار جنسی در این ادبیات خالی است.

زنان کمونیست مخالف مجازات و اذیت و آزار زنان تن فروش بودند. آنها طرفدار از بین بردن علل اقتصادی تجارت جنسی از طریق مسکن برای زنان بی کار، آموزش حرفه‌ای و اشتغال بودند. [۱۸]

جبهه متحد

جنبش زنان کمونیست متذکر شد که هدف "مطالبات جنبش بورژوائی زنان"، "اصلاح نظم سرمایه داری به نفع همسران و دختران طبقات دارا" است. با این وجود، تأکید کرد که رادیکالیزه شدن در میان زنان به تمام لایه های اجتماعی رسیده است.

زتکین در چهارمین کنگره کمیته‌نوع عنوان کرد: "کارمندان زن، به خصوص روشنفکران ... سرسام آور در حال رشد آند ... زنان خانه دار بیشتر و بیشتری، شامل زنان خانه دار بورژوا، در حال بیداری اند... ما باید از این طغیان اجتماعی استفاده کنیم". [۱۹]

یک سال پیش از آن، زتکین در کنگره جهانی پیشین توضیح داد که "مادامی که قوانین سرمایه داری باشند، جنس قویتر جنس ضعیفتر را تهدید به محرومیت از معیشت و ابزار زندگی می‌کند" او تأکید کرد که زنان بورژوا می‌توانند به جدال در منازعات کمک کنند؛ مادامی که نا آرامی و آشوب وارد اردوگاه بورژوازی شده است. [۲۰]

در این راستا ارزیابی تجمعات غیر پرولتری زنان نقاط توافقی را که می‌توانست در فعالیت مشترک مورد استفاده قرار گیرد روشن کرد.

در متن دیگری، نشریه پیش بینی می‌کند که از طریق جبهه متحد، هم زنان طبقه کارگر و نیز طبقات ممتاز، که هنوز از شعار دیکتاتور پرولتاریا احتراز می‌کنند، در اراده و شادمانی برای اثبات حق شان از رفاه اجتماعی و بهداشت و زندگی فرزندان شان به عنوان مادر حاضر می‌شوند. [۲۱]

زنان کمونیست اصطلاح جدیدی برای قربانیان سرمایه داری ساختند که نکته ظریفی در مورد زنان است. آنها به کرات از "سازندگان" سخن گفتند، کلمه المانی به معنای "تولیدکنندگان" و "خلاقان". زتکین می‌گوید: «سازندگان "تمام آن هائی که با بدن یا فکر کار می‌کنند و میراث فرهنگی و مادی بشر را، بدون بهره‌وری از کار دیگران ارتقاء می‌دهند».[۲۲] اگرچه زتکین این را تصریح نمی‌کند، اما اصطلاح زنان کمونیست، به طور کلی شامل کارخانه داری و بچه داری، همینطور کار به دنیا آوردن کودک به نشان اهمیت تولید می‌شود.

انحلال انترناسیونال زنان

انترناسیونال زنان کمونیست که در ۱۹۲۱ شکل گرفت، دو سال و نیم رونق داشت و سپس با ظهور ستالینیزم افت شدیدی پیدا کرد.

در ۱۹۲۴ کمینترن به یک مسیر اولترا چپ به دور از سیاست‌های جبهه متحد چرخش کرد و رهبری زنان کمونیست نفوذش را از دست داد. در اواسط ۱۹۲۵، انتشار نشریه ظاهراً به دلیل هزینه بردار بودن متوقف شد. در ۱۹۲۶ رهبری زنان کمونیست از برلین به مسکو منتقل شد و از یک دبیرخانه مستقل به بخشی از کمیته گزارشگری کمینترن تنزل پیدا کرد.[۲۳]

در چند سال بعد، بیشتر رهبران زنان کمونیست به مبارزات ضد ستالینیزمی به رهبری لئون تروتسکی، گرگوری زینوویف و نیکولای بوخارین پیوستند.

شورای زنان، نوک پیکان پیشرفت های زنان در اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۳۰ بسته شد. کمیسیون های زنان در نقاط دیگر چند سال بیشتر دوام آورد. با این حال در اواسط دهه، ستالینیزم بازگشت به ارزش های پدرسالارانه را هم به اتحاد جماهیر شوروی و هم به احزاب کمونیستی خارج کشور تحمیل کرد. [۲۴].

میراث یک نسل انقلابی

ملموس ترین دست آورد جنبش زنان کمونیست، گسترش ایده ها و انگیزه های مبارزات زنان برای آزادی در روسیه و آگاهی از این دست آوردها در سراسر جهان بود؛ این تجربیات جنبش های زنان و کارگران خارج از شوروی را تحت تأثیر قرار داد.

در درک آنها از ستم به زنان و مسیر آزادی، زنان انقلابی نسل آنها پیشرفتی تاریخی را بر جای گذاشت. آنها فرزندان زمان خود بودند؛ در بعضی مسائل از خط خارج شدند. در مسائل دیگر، مشخصاً درک آنها از آزادی زنان در تعامل با انقلاب قرار گرفت و تجربیات شان پیشی نگرفت.

شخصیت انترناسیونال زنان کمونیست – جنبش مستقل یا کمیته فرعی حزب- از آغاز تا پایان مبهم بود. فضیلت آنها در پذیرش و مدیریت این ابهام بود. هنگامی که فشارهای بوروکراتیک، نهایتاً انسجام منطقی را تحت فشار گذاشت، با حذف استقلال جنبش، نابودی اش آغاز شد.

زنان کمونیست برای پیگیری مداوم وحدت جنبش کارگری ایستادگی کرد. آنها به دنبال متحد کردن زنان از تمام لایه های اجتماعی بودند که به طور فعال برای مبارزه با سرمایه داری آماده شدند. آنها جستجوی زیرکانه ای را برای زمینه های مشترک با جنبش های غیر کمونیستی در میان زنان و کارگران مورد توجه قرار دادند. در این راستا آنها نقش مهمی در شکل دادن به رهبری انترناسیونال کمونیستی به مثابه یک کل ایفا کردند.

این شاید مهمترین میراث آنها برای ماست. "انترناسیونال زنان کمونیست" دلالت بر نقش برجسته زنان در رهبری جنبش‌ها برای پیشرفت اجتماعی هم در امروز و هم در فردا دارد.

*مقاله حاضر در کنفرانس ماتریالیسم تاریخی در تورنتو در ۱۶ می ۲۰۱۰ ارائه شده است.

پی‌نوشت‌ها:

- [۱] صورت جلسه سوم این کنگره انترناسیونال کمونیستی (در بقیه متن کنگره سوم)، هامبورگ: انتشارات بین‌المللی کمونیست‌ها، ۱۹۲۱، ص ۹۱۰
- [۲] انترناسیونال زنان کمونیست، سری ۱، شماره ۲-۳ (۱۹۲۱)، ص ۵۵
- [۳] در کنگره باکو، "پیشنهادی برای انتخاب سه زن به ریاست کمیته... اعتراض شدید بعضی نمایندگان غیر حزبی را برانگیخت، و بحثی طولانی درگرفت. با این حال زمانی که سه زن در جلسه پنجم برای کمیته انتخاب شدند، تمام کنگره یک صدا با سادی و سرور به آنها خوش آمد گفت". جان ریدل، برای دیدن سپیده دم: باکو ۱۹۲۰، اولین کنگره مردم شرق، پث فایندر: نیویورک، ۱۹۹۳، ص ۲۵
- [۴] کنگره سوم، ص ۹۱۰
- [۵] برنارد اچ. بایرلین، "در فاصله سال‌های انترناسیونال و گولاک"، در روزنامه مطالعات کمونیستی انترناسیونال، سری ۱۲ (۲۰۰۶)، شماره ۱۹، ص ۲۷
- [۶] انترناسیونال زنان کمونیست، سری ۲ (۱۹۲۲)، شماره ۶-۵، ص ۵۱۹
- [۷] گزارش هیأت اجرائی انترناسیونال کمونیست، ۱۵ دسمبر ۱۹۲۲ تا ۱۵ می ۱۹۲۳، مسکو، ۱۹۲۳، ص ۱۶-۱۵، بایرلین، ص ۳۴
- [۸] انترناسیونال زنان کمونیست، سری ۱، شماره ۳-۲ (۱۹۲۱)، ص ۴۷-۴۸
- [۹] صورت جلسه چهارمین کنگره انترناسیونال کمونیست، (از این‌جا: کنگره چهارم)، هامبورگ، انتشارات انترناسیونال کمونیستی، ۱۹۲۳، سری ۲، ص ۷۲۷
- [۱۰] انترناسیونال زنان کمونیست، سری ۱، شماره ۱، ص ۶
- [۱۱] "لنین درباره مسأله زنان"، آرشیو اینترنتی مارکسیست‌ها
- [۱۲] همانجا
- [۱۳] کنگره چهارم، سری ۲، ص ۷۳۸؛ بایرلین ص ۳۶؛ آکینا گروسمن، "کمونیسم المانی و زنان جدید" در هلموت گروبر و پاملا گریوز، زنان و سوسیالیسم: سوسیالیسم و زنان"، نیویورک: کتاب برگهان، ۱۹۹۸، ص ۱۳۹
- [۱۴] جان ریدل، کارگران جهان و مردم تحت ستم، متحد شوید! شرح مذاکرات و اسناد دومین کنگره، ۱۹۲۰ (از اینجا: کنگره دوم)، نیویورک: خبرگزاری پث فایندر، ۱۹۹۱، سری ۲، ص ۷۸-۹۷۷
- [۱۵] کنگره دوم، سری ۲، ص ۹۲-۹۹۰
- [۱۶] ر.ک. کتی گوتمن، "برای مبارزه جهانی علیه مجازات سقط جنین"، در زنان کمونیست جهان، سری ۳ (۱۹۲۳)، شماره ۵، ص ۶۸-۹۵۹
- [۱۷] گروسمن، ص ۴-۱۴۲

- [۱۸] انترناسیونالِ زنانِ کمونیست، "میزانِ مبارزه با فحشاء در شوروی"، در زنانِ کمونیستِ جهان، سری ۳ (۱۹۲۳)، شماره ۲، ص ۵۵-۸۵۱
- [۱۹] کنگرهٔ چهارم، سری ۲، ص ۷۳۴
- [۲۰] کنگرهٔ سوم، ص ۹۱۱. کلمهٔ المانی مدنی می تواند به معنای "طبقه متوسط" همچین "بورژوازی" باشد.
- [۲۱] انترناسیونالِ زنانِ کمونیست، سری ۲ (۱۹۲۲)، شماره ۶-۵، ص ۵۲۸
- [۲۲] از یک سخنرانی به رایشتاگ (پارلمان)، ۷ مارچ ۱۹۲۳، آن سال به نقل از تانیا پوشنرات در ک پ د چاپ شد، کلارا زتکین: مدنیت و مارکسیسم (اسن: انتشارات کلارتکس ۲۰۰۳) ۳۴۶
- [۲۳] بایرلاین، ص ۴۰-۳۴
- [۲۴] وندی گلدمن، زنان، دولت و انقلاب: سیاستِ خانوادهٔ شورائی و زندگی اجتماعی، ۱۹۳۶-۱۹۱۷، کمبریج، انگلیس، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۷۲، ص ۵۹-۱۴۴

September 5, 2016

منبع انتخاب مطلب: گروه پروسه